Journal Of the Iraqia University (67-1) May (2024)

ISSN(Print): 1813-4521 OnIine ISSN:2663-7502
Journal Of the Iraqia University
available online at: https://www.iasj.net/iasj/issue/2776

مسرح الدمى الايراني وأثره في حفظ النصوص الأدبية الكلاسيكية الفارسية

تئاتر عروسکی ایرانی وتأثیر آن در حفظ متون ادبیات کلاسیک فارسی

المدرس- مكي خالد عبد الرزاق

جامعة بغداد كلية اللغات/ قسم اللغة الفارسية

Iranian puppet theater and its impact on preserving classical Persian literary texts

چکیده

در خصوص آثار و نوشته های ادبی ایران علی الخصوص متون ادبی کهن باید به این مهم توجه کرد که این آثار هرگز برای نمایشنامه و اجرای آن نوشته نشده اند بلکه برخی از این آثار قابلیت و ظرفیت نمایشی دارند ، مانند شاهنامه فردوسی و یا منطق الطیر عطار . نمایش عروسکی طی قرن‌ها وسیله مؤثری برای ابلاغ پیام‌های دینی، سیاسی و اجتماعی بوده و هم اکنون نیز چنین نقشی را ایفا می‌کند . ایران قبل از ورود اسلام دارای مدل های مختلفی از نمایش وتشریفات بوده است .از مراسمات و برنامه های نمایشی قبل از اسلام در ایران می توان به مرگ سیاوش ، و همچنین حرکات موزون با نقاب هایی برای حمد و ثنای ناهید نام برد .**کلید واژگان** : نمایشنامه ، تئاتر، نمایش عروسکی ، متون ادبی

Abstract

Regarding literary works and writings in Iran, especially ancient literary texts, it should be noted that these works were never written for a play or performance, but some of these works have the potential to be performed, such as Ferdowsi's Shahnameh or Logic of the Attar Bird. . Puppet shows have been an effective means of conveying religious, political and social messages for centuries and continue to play such a role. Before the introduction of Islam, Iran had different models of performances and celebrations, and among the pre-Islamic performances and programs in Iran we can mention the death of Siavash, as well as rhythmic movements with masks to praise and praise Nahid**Keywords**: drama, theater, puppet show, literary texts

المستخلص:

وفيما يتعلق بالأعمال والكتابات الأدبية في إيران، وخاصة النصوص الأدبية القديمة، تجدر الإشارة إلى أن هذه الأعمال لم تكتب قط لمسرحية أو أداء، ولكن بعض هذه الأعمال لديها القدرة على الأداء، مثل الشاهنامة للفردوسي أو منطق الطير العطار. . لقد كانت عروض الدمى وسيلة فعالة لنقل الرسائل الدينية والسياسية والاجتماعية لعدة قرون وما زالت تلعب مثل هذا الدور. قبل دخول الإسلام، كان لإيران نماذج مختلفة من العروض والاحتفالات، ومن بين العروض والبرامج الجاهلية في إيران يمكن أن نذكر وفاة سيافاش، وكذلك الحركات الإيقاعية مع الأقنعة للمدح والثناء على ناهد. **الكلمات المفتاحية:** الدراما، المسرح، عرض الدمى، النصوص الأدبية

مقدمه

هنر نمایش عروسکی از آن دسته نمایش هایی می باشد که از قرن ها پیش رایج و مرسوم می باشد. بنابراین در خصوص اینکه اولین عروسکها کی و کجا شکلگرفته و متولد شده اند کسی اطلاعات دقیق و جامعی ندارد. لکن اطلاعاتی که از طریق پژوهش های فروان در این خصوص بدست آمده است به این صورت می باشد که در تمدن های نخستین عروسک ها بیشتر در مراسمات مذهبی و با انگیزه های مذهبی شکل گرفته و مورد استفاده قرار گرفته اند. در کشور ایران همانند دیگر مناطق دنیا تئاتر و نمایش عروسکی انجام می گرفته و این امر با فرهنگ و تمدن ایران زمین ناملموس و غریبه نمی باشد .به این خاطر که مردم ایران شناخت و اگاهی کافی نسبت به این هنر را دارا می باشند . با نظری اجمالی به دیگر مناطق ایران ، ارتباط میان مردم با هنر نمایش عروسکی قابل رویت می باشد . در سرزمین ایران و

در بیشتر مراسمات و آیین ها و سور ها به نحوی از عروسك بهره می گیرند . با در نظر گرفتن این مورد که ورود فرهنگ های گوناگون و متفاوت اثرات گسترده ای بر جشن ها و مراسماتایرانی ها باقی گذشته است با این حال در نقاط مختلف این کشورمراسم ها و جشن هایی به طورمختصر و پراکنده با عروسك انجام می گیرد که دربی همتا و دیدنی می باشد . بعنوان مثال از این قبیل جشن ها می توان به تکتم گردانی در عید نوروز در شهرهای آذربایجانی ها و برنامه درخواست باران با چمچمه و نیز کتراکیشه به بازی دختران گیلانی اشاره کرد . چمچمه گلین عروسکی استکه از قاشق چوبی درست شده است و دختران آذربایجانی در درخواست و تمنای باران این برنامه را اجرا می کنند .دخترانروستا اینعروسکرامی سازند وبا در دست داشتن این عروسک ها به منازل همسایه ها می روند وتا در خصوص مهیا کردن آشنذریمواد اولیه را از این طریق جمع آوری نمایند وپس از گردآوری مواد مورد نیاز در مسجد محل گرد هم می ایند و زنان روستا آش را درآنجا می پزند و بین اهالی تقسیم می نمایند وپس از آن برای بارش باران دست به دعا می برند و از خداوند طلب و تمنای بارش باران را می نمایند .کتراکیشه (کترابهمعنایقاشقچوبیاست) همبازیعادی و مرسوم خردسالانگیلانیمی باشد ، بدین صورت که یک عدد قاشق چوپی را در دست میگیرند و برآن لباس می پوشانند و آن را به رقص وا می دارند و در همین حین شعر های محلی را می خوانند .با توجه به آنچه گفته شد باید گفت که تئاترو اجرای عروسکی در ایران سابقه طولانیداشته که مورخان اینسابقه بهقرن ٥ هجری قمری نسبت داده اند .بهرامبیضایی نویسنده مطرح ایرانی در عصر معاصر می باشد که در«نمایشدرایران» اینمطلبرا بیان می کند و معتقد است کهازدوران اسلامیاینمایشها (تئاترعروسکی) تاقرنچهارهجری قمری اطلاعات جامع و کاملی وجود ندارد ودر دسترس نمی باشد وازقرنپنجمبهبعدمی باشدکهدراشعارشاعرانبه این مدل نمایش نامه ها و لغات و کلماتی که مرتبط با اجرای عروسکی و نمایش باشد اشاره شده است . اسدیطوسی (قرن ٥ هجری) درگرشاسب نامهزمانیکه به مطرح کردن بیقراریطبیعتوثابت نبودن زندگیمیپردازد اینگونه می نویسد که : « طبیعتدردستدوپرده (ظاهراشبوروز) آویختهاستوازاینروتصاویرباساییههایگوناگونبههیئتجاندارانبیرونمیآید » بدون شک قبل ازاینهماجرای عروسکیصورت می گرفته و انجام می شده است ولی به خاطر سخت گیری های مذهبی چرا که مخالفت های زیادی در این خصوص صورت می گرفته است خیلی کم توان اجرا و عرض اندام داشته است .وبااین تفاسیر بهگونه ای مناسب و شایسته دربینافراد جامعه توانسته جایگاهی را به دست آورد و این امر یادآور این سبک هنری وماندگاری آن در بین مردم بود . درمجموعه اشعارعمرخیامبه دفعاتبهکلمه عروسکوعروسکبازمواجه می شویم . بعنوان مثال : ماهمهلعبتکانیموفلکلعبتبازازرویحقیقتمنهازرویمجازواین موارد شاهدی می باشدکه به ما خاطر نشان می کند و مارا به این یقین می رساند که ازقرنششموهفتمهجرینمایشعروسکیدرایرانرایج بوده است وبهترین حالت وبهزباندیگرکامل ترین حالتنمایشعروسکیدرایرانخیمهشببازیمی باشدکهدرکمالبی آلایشی وسادگی موثر و تاثیر گذار می باشدوگاهی اوقات به وسیله بازیگراندورهگرداجرا می شده اندواجزای متشکل از این موارد بود : یکخیمه،صندوقوچندعروسکنخیوکمانچهوتمبکوروایت اکثراینا‌جراهادرمحدوده چندقهرمانپابتبهنامهایسیاه (مبارك،یاقوت،الماسو...) پهلوانکچل،وورجادر،پهلوانپنبه،عروس،سلطانسلیمو غیره کهبه خاطر جایگاه ها یطنزیکهدر آن قرار می گرفته اند .انجام می شده اند . هرچندبراساس داستانین امکان وجود داردشخصیت هاییبهآناضافه گردد،لکن آنچه که بوده و متصور است این موضوع می باشد که شخصیت های این قبیل اجراهای خیابانی اکثرا افراد عادی و عوام جامعه را در بر می گرفته است وداستان ها بیان کننده روایت هاییعامیانهومطرح و رایج بین مردم بوده است .با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که اجرا و تئاترهای عروسکی در ایران طرفداران زیادی داشته و دارای محبوبیت ویژه ای بین مردم می باشند .هرچند امروزه مکتر به این مقوله پرداخته می شود و بهای کمتری به آن داده می شود .

بسیاری از نمایش نامه نویسان و نویسندگان و کارگردانان برجسته در عرصه ادبیات معتقد هستند کهادبیاتبه وسیله نوشتهوکلامویکمنطقعقلانیوفکریتوانسته با خواننده های خود ارتباط برقرار نماید ،این به گونه ای می باشد که رابطه در نمایش به وسیله تصویر و اجرای اتفاقاتی می باشد که به طور لحظه ای در بیننده تئاتر تاثیر می گذارد و در بینندگان حس های عاطفی به وجود می آورد . بههمیناخاطرحتیکتابیازلحاظ ادبی در بین مردم موثر واقع شده و دارای موفقیت بوده است سبب این موضوع نمی شود که در عرصه اجرا و تئاتر هم به مثابه نسخه ادبی خود موفق و تاثیر گذار باشد .پیشینه تحقیق گنجی و اشراقی (١٣٩٩) در کار پژوهشی خود تحت عنوان » توسلات ادبیات عرفانی به هنرهای سنتی نمایشی با تکیه بر نمایش عروسکی «به بیان این موضوعپرداخته اند که :از جمله موضوعاتی که در حیطه تحقیق های ادبی مورد تحقیق و تفحص قرار می گیرد وارسی ارتباط میان هنر و ادبیات و رد و بدل هایی می باشد که از زمان های قدیم بین این موضوعات وجود داشته است . آنچه که از موضوعات آمیخته با ادبیات و هنر که حقیقتا در تحقیق ها و امور پزوهشی گذشته مورد دقت و استفاده قرار نگرفته ارتباط بین عارف های عرب و ایرانی و چگونگی بهره گیری و استفاده آنها از هنر نمایش عروسکی

در آثار و نوشته هایشان می باشد .گنجی و اشراقی در تحقیقی که بدین منظور انجام داده اند به اهمیت این موضوع پرداخته اند و این موضوع که عروسک گردانی به ویژه اجرا و نمایش سایه ها در ادبیات عرفانی و ایرانی پرداخته اند با استفاده از روش اسنادی و تحلیلی که اهمیت این موضوع را نشان نی دهد .که چگونه در آثار عرفانی ، عارفان در نوشته های عربی و فارسی تصویر های رمزی نمایش عروسکی را برای بیان امور شهودی خود به کار گرفته اند .پس از آن بابازبینیقدیمیتریندانسته های تحقیق درحیطه به کار گیری تصویررمزینمایشعروسکی, بهترتیبتاریخی, بهبیاناسنادوآثارکاربستاینهنردرمتونعربیوفارسیپرداخته اندتابرایشان واضح و مبرهن گردد که از چه تاریخی و به چه صورتی دانشمندانوشاعران و نویسندگان ادبیات عرفانی برایطرح افکار هستیشناسانهوعارفانهخودبهاینهنرنمایشیچنگ انداخته اند . دست آورده های این تحقیق بیان کننده این موضوع می باشد کهبه کار گیری ابنحزماندلسی (٣٨٤ ٤٥٦هـ. ق) ازنمایشعروسکی, درتبیناوضاعناپایداردنیا, ازکهن ترینااستفاده های هستیشناسانهبهاینهنرمی باشد. بعدازاین نویسنده , ابنعربی (٥٦٠ ٦٤٠ق) وتعدادیازعارفان و اندیشمندانصوفیهدرشکل گیریاندیشههایخودعلی الخصوصموضوع «وحدتوجود»و «توحیدافعالی»باتوسلبهاینهنرکهنتوانستهاندسختترینموضوعات و مفهوم های هستیشناسانهرابهخوانندگانمنتقلنمایند .پرتوی راد(١٣٩٨) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی ظرفیت های اقتباس پویا نمایی از منطق الطیر عطار» بیان می کند که : نوشته های ادبیایرانعلی الخصوص کتابها و نوشته های دوران قدیم هرگزبراینمایشبهبه رشته تحریر در نیامده اند ،لکن بعضیازآنهاقابلیت به نمایش درآمدن را دارندونویسندگان فیلم نامه ها توانسته اند به طرق مختلف ازآنهااستفاده کنند . منطق‌الطیرعطاریکیازمنظومه‌هایادبعرفانیمی باشد ودر دسته آثار با شکوه و منحصر بفرد ادبیاتکلاسیکفارسیقرار داردکهبامعارفعمیقوپر بار ،درگروه آثار اقتباسیدرمدل پویانمایی (انیمیشن) می شود بهآندقت نظر داشت . پویانماییمطرح کننده دنیایناممکن ها می باشد ، جهانی کهتعجب و هیجان بیننده رادر پی دارد وباحرکتوتصویرورویا هرکارناممکنی راممکنمی سازد . آنچه قابل بیان می باشد این است که منطق‌الطیرازالگویی به هم پیوسته و دارای روایتی مناسبدرخصوص مطرح کردن تئاتررا دارا می باشد ، بنابراینباداشتنخصوصیات حرکتیوتصویریوتخیلی،متنمناسببیرایفیلم‌نامهانیمیشنمی باشد . دارا بودن شخصیت‌هایخاص وجذابنمادین،گوناگونی رنگوحرکت،داشتن مکانوزمان‌هایگوناگون وزیادی سفرو ... ازدیگرقابلیت هایی می باشد کهحالت هاییتصویریاینروایت رابرایبهره گرفتنانیمیشنممکن می سازد .

رحمانی نژادوبوند شهریاری (١٣٩٥) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی شاخصه های نمایش در منطق الطیر عطار نیشابوری» بیان می کنند که : منطقالطیرمنظومهایاستمزیمشتملبر ٤٤٥٨ بیتکهتلاشتعدایازمرغانرابرایرسیدنبهجایگاهسیمرغ, بیانمیکند. عطاردراینمنظومهرمزهایپرشماریچونمرغ, سیمرغ, هدهد, سفر, قافو ... چنانهنرمندانهوگویابهکارگرفتهاستکهبهاعتبارهمین, منطقالطیررامیتوانشیواترینسفرنامهتمثیلیمنظومفرهنگوادبیاتفارسیشمرد. هدفاصلیاینپژوهشبررسیجنبههاینمایشیووضوحروایتیمنطقالطیرعطارمیباشد. یافتههایاینپژوهشنشانمیدهدکهمنظومهمنطقالطیرعطاربهاعتبارزبانرمزیوتمثیلیخودونیزباتکیهبرجوهرهتاویلپذیریش, قابلیتیفراوانبرایتبدیلبهیکاثرنمایشیرادارامیباشد. منطقالطیربهیاریانسجامداستانیشساختارپیدیدآوردهکهبیشازمنظومههایدیگربهحیطهنمایشینزدیکاست. فرضیه ها و پرسش ها باوفا بودن نمایش در قبالادبیاتامری غیر ممکن و محال می باشد . باتوجه به این موضوع این توانایی را ندارد وبدون اینشرایطمی باشد تااین امکان را داشته باشد که همه ره آورد های شاعرانهوزیبایی‌شناسانهیککار ادبیرابررویصحنهانعکاس دهد . یکاثر ادبی درصحنه نمایش ودردستیکبازیگر ،صرفادست آویزی می باشد برایفعالیت وخلق یککار تئاتر ،وچوننمایش عروسکیمتفاوت باادبیاتمی باشد و اجرا با داستان ادبی همیشه متفاوت بوده است لکن نباید ازیکتئاترعروسکی این خواسته را داشتهرچند کم دراندازه وجایگاه کتابوادبیاتباقیباشد .نمایش و تئاتر محدود و وابسته به زمان نمی باشد . هنرمی‌تواندماناباشدودرهرزمانیحرفیبرایگفتنداشتهباشد. هنرمندبایدحرفزمانخودرابه‌گونه‌ایبزندکهدرهرزمانیقابل‌بیانباشد .

برهمین اساس سوالی که در اینجا مطرح می شود این می باشد که :

- یکمتنادبیهنگامی کهبهنمایشمبدل می گردد در مرحله اجرا چه تغییراتی پیدا می کند وتئاتر عروسکیانجام شده ازراه اقتباستاچهمیزان بایستی امانتداربهاصلاثرادبیخودباشد؟روش تحقیق در این پژوهش، از شیوه تحلیلی–توصیفی با رویکرد استنباطی در جریان مقاله استفاده شده است و متعاقباً بهره‌مندی از مطالعات منابع کتابخانه‌ای و نیزبا جمع آوری داده‌ها و پژوهشها و تحقیقات سایر نویسندگان و زبانشناسان ، انجام شده است .

نمایش چیست ؟

نمایش (Drama) در فرهنگ آکسفورد اینگونه معنی کرده اند که تالیفی به نثریانظمکهداستانیراازطریقگفتوشنودوکنشبازگومیکندوبرایآوردنبهصحنهآمادهشدهوباصحنهپردازی،جامهآراییوحرکتهایهمراهآنبهمثابهزندگیواقعیعرضه میشودهنرنمایشیبسیارسیالونرمشپذیراستومیتواندازبسیاریازمنابعورشنههایدیگربهرهبگیردواتفاقجدیدیرارقمبزندحتیدیگرمانندگذشتهکهسیرک،کنسرتهایموسیقی (پاپ)

واتفاقاتهنریمانندهپنینگ،یانمایشوارههایچندرسانهایراجزنمایشدانستیانهاهمیتچندانیندارد چراکهدردنیایامروزاینهنربهسرعتپیشرفتکردهوماهرروزشاهدنورآوریوبازآفرینیهستیم.ارسطو ۱۳۸۱. ص۵۲)واژه نمایش برگرفتهاز dramaکلمه ای یونانیمی باشد کهبهمعنیکنشاست،نمایشکنشیتقلیدیاست،کنشیبرایتقلیدوبازنماییرفتاربشر (البتهاستثنایهمیشههست)

کهبرایشقالبادبیمشخصیوجودندارد،عناصریکهیکنمایشرامیسازندکنشوعملکرداستکهاندیشههاونظراتاخالقشراتحققپذیرکند.اجرا به معنای خاص خود آن مدل دیگریمی باشد . تئاتر و یاهمان هنر نمایش گرچه نخست پایه درسنن مذهبی و رسومات مذهبی داشته وریشه در مذهب دارد و براساس آن شکل گرفته است، لکن باگذرازمرتبه های ویژه بهوضعیتی نائل می گردد کهآنرازدیگرصحنه هایبدوننمایشمتفاوت می‌سازدهنرهاینمایشییکیازاشکالهنرهفتگانهمیباشدکهدرآنبازیگربابهرهازبدنوکلامواستفادهازذوقهنریداسانیرابرایمخاطببررویصحنهبهنمایشدرمیآورد.

خودنمایشوتئاتردارایزیرشاخههایمتنوعاستکهازبینآنهامیتوانبهنمایشصحنهای،تئاترخیابانی،پانتومیمومیم،نمایشعروسکی،اپرا،سیرک،پرفرمنسآرتودرنمونههایایرانیاینهنرروحوضی، نقالی،پردهخوانی،تعزیهاشارهکرد .(آرتوآنتونن.۱۳۸۵. ص۳۶)واژه تئاتردرواقعاصالتییونانیداشته وبرگرفته ازکلمهتئاترونمی باشد،کهتئابهمعنیتماشاکردنیاجایگاه تماشاومشاهدهمی باشد .این انتخاب و معنا به این خاطر می باشدکهدردوران قدیم تماشاچیان درسراشیبی کوه پایه ها برای تماشا می نشسته اند وآیین های مذهبیراکهباتشریفاتویژه ای درپایین همانتپهوگاهی درکنار آرمگاه شخصی پاک و مورد تقدسویامعبدیکنارخدایانبرگزارمی‌شده است ،به تماشا می نشسته اند . تئاترهمبهجاییگفتهمی‌شودکهدرآنایننمراسم هاشکل می گرفته است وهمچنین بهشکل گیری ارتباطیکهبه وسیله آنبهجهت خاصودرمکانینعیین شده رویدادی به وسیلهعده ای باز خوانی مجدد می گرددوافکاری ازایندسته بهدسته ایدیگرمنتقلمی گردد .نمایشاساساتاثیرگذاراستومردمبهآنعلاقهمندهستندوازآناستقبالمی‌کنندوعام‌ترینهنرها،هنرتئاتراست. هنربایدمسئلهاش،مسئلهمردمباشدوبهزبانمردمسخنبگویدتابااستقبالمردممواجهشود.(آرتو،آنتونن ۴۰)تئاتراز کهن ترین وهمچنینیکیازتازه ترین و نو ترین هنرها می باشد . تئاتراهارت برقرار ارتباط به طور زندهو مستقیم به صورت رودررو به شمار می آید .هر زمان که اجرا می شود تاثیر پذیری دارد و اثر گذار می باشد وزمانیکه توانایی این را دارد کهوسیلهاباشدبرایانشروتبلیغ هرگونه فکر و اعتقادیویااعلام هرنوع پرسشی . اینتصویرازتئاتراز موقعی بیان شد که کهانجام و ارائه تئاتردیگربرایتهذیب نفسوپاک سازی به حساب نمی آمد ،چراکه میدان مطرح کردن و بیان وتوضیح رنج هاوموضوعاتگوناگون اجتماعخود بوده است .

ادبیات نمایشی چیست ؟

ادبیاتنمایشیادبیاتیاستکهدرقالبنمایشبهرویصحنهمیآید .

موضوعاصلیادبیاتنمایشییوندانسانبازندگیوطبیعتووظیفهآنتجلیلروحیاتانسانونحوهبرخوردباوباحوادثزندگیاست . ادبیاتنمایشیدرایرانبهشکلشبیهخوانی (تعزیهوعزاداریشهدایکربلا) ،سیاهبازی (حاجیفیروز) ،نقالی (شاهنامهخوانی)،نمایشروحوضیو ... است .درادبیاتایران،نمایشبهمفهوموماقعیورسمیکمترقدمتدارد؛اما،باتوجهبهویژگی هایتراژدی،نمایشِسنتی «تعزیه»کهقدیمی‌ترینمایشبومیایراناست،می‌تواندرچارچوبتراژدیقراربگیرد.

ادبیاتنمایشي،فرزندتعاملخجستهادبیاتونمایشاستکهازظرفیتهاییانیایندوبیشترینبهرهممکنرامیبرد؛وازآنحیثکهازمهمترینعناصرکیفیهنرنمایش (خودبرونافکني،همذاتپنداري،تعلیق،گرهافکني،گرهگشایي،پیچیدگي،کشمکش،بحران،فاجعه،اوجوفرود) سودمیجویدوساختارنمایش (گفتگو،حرکتوشخصیتپردازي) رادردلخوددارد.وازآبشخورژرفادبیاتجهانیبهرهمیبرد .(شمسا ۱۳۸۳. ص۴۵)

ادبیاتونمایشدرپهنهتاریخهموارهدوشادوشیکدیگربهجلوآمدهوبالیده،تاثیراتیبرهمنهادهوتحولاتیراپشتسرگذاشتهاند،وسرانجامبسامانومعقول،ازشکلساده وابتدایی خود– کهبرآورندهنیازهایخودآگاهانهومتعارفانسانبوده– بهساختارپیچیدهومتکاملدگردیسییافتهتاامروزکهبازتابیازعلوطبعومبینخصالانساندرنبردبیامانشبرجهلکثیروراهنماییبرایانیلبهآرمانهایبرینوفطریویدرحیاتعالیانسانیشدهاست.

ادبیاتگونه ای از هنر می باشد کهدر آنلغات و واژه ها ،پایه و اساس و به نوعی مواد اولیه ای بشمار می روندکهشاعرونویسندهباستفاده ازاحساساتوآما ل و آرزوهای خوداز ان ها در خلق آثارش به کار می گیردواینگونه آثارادبیوهنریرا به وجود می آورند .درمتون ادبی،نویسندهوشاعرتلاش می کنندافکارواحساسات خودشانرادربهترینوجذاب ترین جمله ها وکلمات به کار ببرند. نوشته ها و کتاب هایی که توسط نویسندگان نوشته اند همان گفتگوها و نوشته هایی می باشدکه در طول تاریخ اشخاص جامعه آنها را لایق نگهداری دانسته اند .وازخوانشوشنیده شدن آنهابرایشان لذت بخش بوده است . ادبیات غنی ماخواستگاهمتونادبیاتیزیادیمثلشاهنامه،تاریخبیهقی،مثنویمولوی،بوستانوگلستانسعدی،غزلیاتحافظو... می باشد ،کهدرزمره بهترین و خاص ترینورساترینمتونادبیدنیاجای گرفته اند.بنابراین ماهم چون گذشتگان بایستی اهمیت این آثار با ارزش بدانیم و قدر دان آن ها باشم و در حفظ آنها اهتمام ویژه ای داشته باشیم ،بنابراین با مطالعه دقیق و سنجیده و درک صحیح این متون با ارزش،درحفظ و نگهداشتن آنهاباتمام وجود تلاش کنیم و به سیله همت عالی و زیاد بر ارزش و بزرگی آن اضافه کنیم .(اخلاقی .١٣٧٧.ص١٩) بر این واقعیت ایمان داشته باشیم که کهبابودنایارثیه پایدار–سرمایهباارزش–کهمایه یسرفرازی مادربین قوم هاو افرادمختلف جهان می باشد.خواهیم توانست بانشان دادن درهاییازدریایادبخویش،غریبه هاراهمازفرهنگوادبکشورمان آگاه کنیم تا همگان از این فرهنگ غنی و با اصالت بهره مند گردند .

ویژگی های اقتباس از آثار ادبی برای تئاترعروسکی

درخصوص آموختن در موردیکنمایش (کهازیکمتن ادبیانجام می پذیرد)بایستی دقت کردکهچهبخش هایی ازآنمی تواند در دنیای نمایش مورد استفاده قرار بگیرد .دریکبهره برداری قسمتی ازوضعیت ها،اشکال ،جایگاه ها ،کارکردها وشخصیت اشخاصرازکلیتیکروایت برداشت می کنیم . لکن به این مورد بایستی توجه و دقت داشت کهاینوضعیت هایکلی،به خودی خود بی ارزش می باشند ،به جزمواردی کهرواییودگرگونی موثر و مفیدیازاینرخدادهابرایتماشاچی خودمطرح و بیانناییم.دراین گونه موارد بارویاپردازی و خلاقیت های که کارگردان از خود نشان می دهد تلاش می کند که رویدادها و اتفاقاتی که در زمان های مهم و حساس داستان توسط نویسنده متن ادبی نوشته شده است را به صورت حرف ای بر روی پرده نمایش به اجرا درآورد .و بهره گیری مناسبی از این شرایط و نکته های که نویسنده داستان در اثر خود به کار گرفته در بعد های مختلف صحنه ی تئاتر داشته باشد .(پرتوی راد .١٣٩٨.ص٥٨)بیان و زباننمایشهمین مطالبی بود که پیش تر مطرح شد و از این روش یا بهتر بگوییم از طریق همین زبان ، موضوعات و ارزش های بیان شده در یک روایت به صورت نمایش با داشتن خصوصیات خاص خود به مرحله اجرا در می آیند .و بوسیله زبان نمایش به طور مستقیم بازگو می شوند.زمانیکه یک روایت توسط نمایش نامه نویس برگزیده می شود تا که به مرحله اجرا برسد بایستی دارای منبع فکر و تولید کننده و منشا آن نیروی فکری و اندیشه باشد که در این خصوص توانایی این را داشته باشد که در جهت فراهم ساختن امکانات و امکان پذیر نمودن اجرای نمایش تولید و انجام گردد .تولیدوتهیه نمایشنامه،چگونگی برشپرده ها ،مدتزمانیاتفاقات ،نحوه بازیبازیگران،نوعچیدمان و قرار گرفتن افراد واشیاء،نورپردازیصحنه ی اجرا ومدتزمانیرویدادها،مجموعه این کارها موضوعاتی می باشند کهتئاتررراتشکیل می دهند ودربرگیرنده همانقانون ها واصولی می باشدکهدرساختاریکتئاتربه کار گرفته میشوند . نتیجه کارنیزبهاینوابسته می باشد که کهکارگردانتئاتربااستفاده و بهره گیری از یکمتن ادبیبه چه صورت و چگونه توانسته انجام دهد و در چه زوایا و چهارچوبی بهره لازم را از اثر ادبی برده است .چرا که نمایش وادبیات دو کاریادوهنرمجزا و متفاوت از یکدیگر به حساب می آیند .از سویی راه و روشابراز و کلام وتواناییسرایت فکری هرکدام ، خصوصیات مرتبط بهخودرادارا می باشند ،الزام و اجباری وجود ندارد که به واسطه اجرای نمایش و تئاتر،ادبیاتوبرخلاف آن برای نگهداری آرمان های زیبایی‌شناسانهیکمتن ادبی،از ذات هنرتئاترچشم پوشی شود و به حساب نیاید .ودر مورد هریک ازایندورسانه،بی دقتی و کم توجهی صورت بگیرد . یکتئاتر باهرریشه و بنیانی که دارد بازیکنمایشبه حساب می آید وبهای هراثرنمایشی صرفا بایستی درقیاسبابها و ارزدیگر آثار نمایشی و مدل های و نمونه های مشابه صورت بپذیرد .یعنی به طوری کلی یک نمایش باید با یک نمایش دیگر سنجیده شود نه با اصل آن اثر ادبی که نمایش نامه از روی آن نوشته شده است .چرا که معیارهای مقایسه در صحنه تئاتر با ادبیات متفاوت می باشد .(رحمانی نژاد . همکاران.١٣٩٥.ص٦٩)برهمین اساس زمانی که تئاتری اجرا می شود – تماشاچیان به تماشای آن می پردازند – واین در حالی است که این نمایش از روی یک اثر ادبی نوشته شده است و از آن الهام گرفته است ، در تصمیم گیری ها و بررسی های خود نباید به اصل متن ادبی یا بهتر بگویم به خود اثر ادبی مراجعه کنند و بدین صورت مقاسیه و ارزیابی را انجام دهند .بنابراین بایستی به این مهم توجه نمایند که نمایشی که در حال اجرا می باشد از روی یک مبحث تازه و جدید نوشته شده با الهام از یک اثر ادبی است یعنی اینکه خود تئاتر و نمایش یک خلق جدید هنری با نکات و موضوعات خاص خود می باشد و

نوآوری درآن صورت گرفته است .و دارای جایگاهی تصویری است نه ادبی .بنابراین هنگامی که یک نوشته ادبی یا بطور کل یک داستان به یک نمایش و تئاترعروسکی تبدیل می شود،به طور معمول این امر وجود دارد که بهره برداری نمایش نامه نویس از نسخه اصلی اثر ادبی برداشت خود شخص و یا ذهنی است و کار بوجود آمده با توجه به شخصیت های عروسکی که بازیگران نمایش هستند تفاوت های با آنچه در داستان روایت شده دارند . بنابراین باید اینگونه گفت که نمایش نامه نویس با مطالعه یک اثر ادبی آن برادشتی که خودش از آن داستان داشته را به پرده نمایش تبدیل می کند .به همین خاطر گاها تفاوت های فاحشی فی مابین شخصیت های داستان و عروسک های نمایشنامه وجود دارد .(ارسطو .١٣٨١.ص٢٠)نویسندگان براین باورند که زمانیکه نمایشی با اقتباس از نوشته های آنها به مرحله اجرا در می آید به نوعی به آنها خیانت شده است .لکن می توان گفت این فکر از آنجا نشات می گیرد که واقعیت وجان بخشیدن به آنچه که بی جان می باشد همواره کاری سخت می باشد .و زمانیکه که بصورت لمس شدنی و قابل رویت در می آیند به نوعی محدود و ضعیف می گردند .

این موضوع که بیشتر بیان شد از سری مشکلاتی می باشد که همیشه زمان تنظیم و تهیه تئاتر از روی نوشته های ادبی و به طور خاص آثاری که شناخته شده و مطرح وجود داشته است و مورد توجه نمایش نامه نویسان وکارگردانان بوده و هست و در اکثر موارد در کارشان ، هرچند در بسیاری موارد که حتی از خود اثر ادبی بهتر هم بوده مورد نقد و کنکاش قرار می دهد جزو دغدغه مندی های آنها است .

در بالعکس آن هم وجود دارد و آن زمانی است که نمایش نامه نویس زمانی که بخواهد عینا مطابق با اثر ادبی با حفظ آنچه در اصل داستان مطرح شده کار کند با موج انتقادات مواجه می شود و آن هم این است که خلاقیت نداشته و کپی کرده و یا تقلید کننده ای بیش نیست .که به سختی می تواند از نمایش خود دفاع کند.بهر حال امری عادی است کهدرالهام و بهره گیری ازآثارادبیمطرح و مشهور ،نمایش نامه نویس بایستی علاقه خودرادر مورد اصلاثرادبیمورد توجه قرار ندهد یعنی بدون در نظر گرفتن علاقه شخصی خود به داستان وبدون جانبداری و تعصب و باتوجه به اصول نمایشی به چیدن صحنه‌هاطبق باسلیقهوشعورنمایشیمربوطبهخودبه مرحله اجرا در بیارد .نمایش نامه نویسانی که علاقه و تعصب خاصی به یک اثر ادبی مطرح و مشهور دارند ، و تلاش می کنند که عین همان اثر را به مرحله نمایش در بیارند ، فارغ از از اینکه تفاوت ها و مغایرت های بین یک اثر ادبی و یک کار نمایش و تئاتر را نمی دانند و یا نادیده گرفته اند خودشان را گرفتار نوعی تنبلی و راحت طلبی هنری کرده اند ،که این فرصت طلبی و راحت خواهی با خلق و آفرینش یک اثر هنری معقول و بزرگ مغایر است چراکه فاقد هرگونه نوآوری و تغییر می باشد .(رحمانی نژاد و همکاران .١٣٩٥.ص١١)ارتباط میان یک تئاتر و یک اثر الهام گرفته شده ،فارغ از اینکه داستان بلند یا کوتاه ، یا یک تئاتر دیگر ، فیلم نامه ای که در مقام بیان و شرح یک روایت ، خلاصه هر چه می خواهد باشد ،رابطه‌ایمتأخرمی باشدکهبایستی دربازبینی ها وارزیابی های هنریکتئاتربطور تمام و کمال مورد توجه قرار بگیرد . بهبیاندیگر،داوری خوبوبددرخصوصیکیازاین‌ها نباید بر داوری و قضاوت بر سایر آثار هنری تاثیر بگذارد و یا آنها را محدودیامشروطبسازد. برای نمونهاجراها یزیادی بوده‌اندباتوجه به اینکه منشا خلق آنها آثار ادبی مشهور و با ارزشی بوده اند .بااین حال نمایشی که از آنها الهام گرفته کمترین ارزش هنری را داشته و یا اینکه مورد علاقه مخاطبین قرار نگرفته است و بلعکس هم مواردی بوده اند که در عرصه اجرا و نمایش بیشترین محبوبیت را کسب کرده اند به گونه ای که از روی نمایش ان اثر ادبی را معرفی می کنند .اعتقاد تعداد زیادیازنویسندگانونمایش نامه نویسان خوش ذوق براینمی باشدکهادبیاتازراهنوشتهوکلامویکمنطقعقلانیوفکریباخوانندگانخودارتباطبرقرارمی نماید،به طوریکه کهاینرابطهدرنمایشازراه تصویرونمایشروخدادهاییمی باشدکهبهصورت یکهودرتماشچیان تئاترتاثیر دارد واحساسات عاطفی آن ها را برمی انگیزد . برای همین منظورهنگامی که کتابیازدیدگاه ادبیدارای موفقیت می باشد علت آن نیست کهدراجراهای تئاترخودبتواندآنموفقیتراکسب کند .همانا اینکهراهدیگریرادراتخاذ کندکهآنراه در اکثر مواردواوقاتمتفاوت باطرق ادبیمی باشد .بنابراین در بیشتر مواردنمایش نامه نویس کسی که وظیفه نوشتن والهام از اثر ادبی را دارد ناچارازحذفتوضیحاتبسیارزیبایادبیمی شود و به خاطر همین دور اندیشی ها و وسواس هایی که از روی ناچاری مجبورند در این اقتباس لحاظ کنند خیلی کم پیش می آید که یک اثر ادبی موفق بتواند پایه و اساس تدوین و شکل گیری یک نمایش موفق با در نظر گرفتن اصل وفاداری به اثر هنری باشد .(یاری .١٣٧٩.ص٤٦)هرچنداین موضوع ،به این معنا نمی باشدکهحتیاثرادبی که بهشکل نمایش درآمده است ،نمایشتهیهشدهاثریکمترازاصلاثرادبی داراخواهدبود ،هرچندکه بایستی بیان کردکهاینتئاتر ،کارجدیدی می باشدکهتوانسته دراندازه و درجه داستان ادبی خود قراربگیرد ودر برخی موارد حتی بالاتر هم پیش برود .لکن در قالبی نو و گفتاری تازه باتوجه هنر بازیگران و عروسک گردان های خود می تواند تاثیر بیشتری بر مخاطبین بگذارد.به طور کل یک نمایش باید ایده پردازی و خلاقیت خاص و منحصر بفرد خود را داشته باشد تااینکه یک کار کپی و ترجمه ای از روی اصل اثر ادبی باشد .باید یک کار گردان خوب بتواند با جلوه های خاص

و به کارگیری طراحان متخصص در تهیه ساخت عروسکها توانایی خلق شخصیت های داستان راداشته باشد چراکه تماشاچی بدین صورت جذب نمایش می شود و آن نمایش می تواند اثری خلاقانه و خاص گردد دراینتحولات ودگرگونی ها باتوجه به این امر که اجراهای نمایشی (وسینما) توانایی این را داشته اندکهازتوانمندی های بالقوهادبیاتبهره مناسب و کافی را ببرند ،خودسبب تغییرات شگرفی درفنون و ساختار ادبیات مرتبط با داستان نویسی عصر حاضر گردیده است .نادیده گرفتن توضیحات زیاد و طویل نوشتن داستان ،تمایل تقطیع کردن سکانس ها ، بهره بردن از نشانه ها و رمزهای مختلف اعم از صوتی و تصویری و سایر موارد بخشی از اثر پذیری ها می باشند که استفاده از آنها را درکارها و تالیفات بعضی ازنویسندگاندوره حاضر مشاهده کنیم . این امر به خاطر رویاروی صحنه و نمایش با اثار ادبی می باشد وتعداد زیادی ازآثارادبیبااستفاده از این روش توانستهاندارتباطاتی برای تبدیل به نمایش و تئاتر به وجود آورند .بهره گیری و الهام برایمایشنامهیکعلم می باشد وبه دست آوردن دانش کافی و لازمدر خصوص اینکارازاستعدادپرورشیافته،یکنمایشنامهنویسماهر نشات پیدا می کند .(گنجی .١٣٩٩ .ص٣٣)

ارتباط تئاتر عروسکی وادبیات

اشکال کوناگون ادبیمتوننمایشیهمیشه محل جدال ادیبانومنتقدیناین حوزه بودهاست. برخی براین باور هستند کهمتون نمایشیصرفابرایاجرا می باشد . مثل نت هایموسیقیکهتنهارهبرارکسترونوازندگانمیتوانندآنرابخوانندوبسیاریدیگرمتوننمایشیرادرزمرهمتونادبیبشمار آورده اند. بهخصوصزمانیکه صحبتازمتونکلاسیکتئاترمی باشد کهبهشعرنوشتهشدهاند.ادبیاتهمیشهازبا اهمیت ترین زمینه ها ومحیط شکلگیریدراممی باشد و علاوه بر این استفاده و الهام از آن بر افزیش قابلیت های دراماتیک ،شکل و ساختار و گفتارتئاتر موثر بوده و سبب استحکام آن می گردد. اقتباس دراماتیک ،از منبع های توانمند و توانگر داستانی و شعری ، یکی از رایج ترین روش های نمایشنامه نویسی در ادبیات نمایشی کل دنیا می باشد .که هرچند در در خصوص تئاتر ایران ، با درنظر گرفتن سرشار و غنی بودن بی همتا و بی نظیر ادبیات کلاسیک ایران شان و منزلت شایسته خود را پیدا نکرده است .این در صورتی می باشد که ادبیات فارسی و علی الخصوص شعر ایرانی همیشه از وسعت و گنجایش داستانی فوق العاده ای برای استفاده و اقتباس در حیطه تئاتر و نمایش دارا بوده و هرچند گاهی شاهد استفاده هنرمندانی از این ظرفیت ها در بحث اجرا و نمایش هستیم که توانسته اند آثار قابل توجهی خلق کنند. شعربهعنوانبا اهمیت ترین وسیله بیانایرانیوبا توجه در بهره گیری فضاهای داستانی توانسته اند بهکمک قسمت اعظمی ازنواقص و کاستی هایادبیاتدراماتیکمابیایند و در این حیطه همراه باشند . بنابراین،باید به این مهم اشاره کردکه ابزار ادبی بیان بدون تردید برگرفته از خواسته ها و درخواست های تاریخی،فرهنگی،ملیواز جایگاه خواسته های گروهایرانینیز می باشد .(یاری .١٣٧٩ .ص٥٢)در مورد ارتباطوصلناشدنیادبیاتوهنرهاینمایشینظریات مختلفی مطرح گردیده است . تئاتر عروسکی

بایدبهدنبالمطرحکردننیازهایضروریوواقعیدورانوفرهنگیکجامعهباشد.ازضرورتهایتوجهبهغنایادبیآثارنمایشیوظرفیتهایدراماتیکمتنهایادبیتادادودهشهایسر شاریکهمیتوانددراتصالادبیاتوتئاتربهنتایجدرخشانیمنجرشود،همهوهمهبرهمینارتباطویژهتاکیددارودوضرورتآنرایادآوریمیکند.

وظیفهتئاتردفاعازناخودآگاهقومیودفاعازریشههاست. نبایداینریشههاگمبشوندوبههمیندلیلدرهمهجایدنیا،تئاتریکجورتئاترملیوکلاسیکاست. تئاترباییدیکچیزملیاصیلازخودماومتعلقبهماباشد.

مثلاکسانیقبلاکارهاییانجامدادهاندکهدرحالیکهیککارقدیمیریشهداراست،ازدیگرسوابعادوزوایایآشکاروپنهانبسیاریرادراینخصوصمیتوانبهمیانکشید،ازجمله مختصاتآنچهباعنوانتئاترنمایشیازآنیادمیشودکهقدرمسلمدروجوهاصلیاشباانحوهوچگونگیارتباطادبیاتفارسیوهنرهاینمایشیپیوندخواهدداشت. بنابراین بیانموضوع تقدموتأخرنمایش یه ویژه تئاتر عروسکی وادبیاتباهمدیگربه نظرمیر رسد صحیح نباشد ، به این دلیل که نگارنده روایت یا نمایشنامه ، از یک مسیر خاصی پیروی می نمایند تسلط بیشتری بر رسانه و محیطو حوزه ای که در آن کار می کنند داشته باشد .

باتوجه و درک این موضوع بایستی بیان کردکه نمایش در ابتدا به دنبال مطرح کردن خود بوده است ،و بطور همزمان با در نظر گرفتن این موضوع که رسانه نیز می باشد به دنبال کشف خود نیز می باشد.(کادن .١٣٨٥.ص٨)به مرور زمان اهالی نمایش به این موضوع پی بردند که نمایش می تواند مطرح کننده یک روایت و داستان از قبل بیان شده هم باشد ، به لحاظ درک این موضوع به ادبیات دقت وتوجه زیادی می شد . بدین سبب ، همیشه قواعد و قوانین ادبی و دیدگاه های آن ها در نمایش مورد بحث و بیان قرار می گرفته اند .بنابراین باید گفت نمایش نامه نویسان درحیطه اجرا و نمایش همیشه در جستجوی این موضوع بوده اند که بتوانند اصول ادبی را در نمایش به حیطه آشکاری و افشا در بیارند و آداب و اصولیراکهدرساختارهایرایج داستانگوییهست را درساختارتئاترنیز به مرحله اجرا در بیارند . بعضی ازاینکوشش ها

به نتیجه رسیده اند واما بعضی از آنها هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده اند . باتوجه به آنچه گفته شد به طور قطع و با یقین نمی‌توانعنوان کردکهبرای نمونه یکپردهنمایش،برابریکفصلازیکداستان می باشد .(غریب پور.١٣٦٩.ص٥٣)عده ای از نویسندگان معتقدند که شخصیت عروسک گردان ها در شکل دهی و ارتباط بین عناصر داستان نقش مهمی را ایفا می کنند و بیان می کنند که رابطه روایت نمایشی و روایت ادبی سطحی نیست .فرهنگ و ادبیات با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند . بایستی این موضوع را درنظر بگیریم که نمایشنامه نویس به چهمیزان و اندازه ای با ادبیات یک کشور ارتباط داشته و میزان علاقه آن هم به ادبیات سنجیده شود .این نکته مهم را هم باید در نظر بگیریم که در حیطه ادبیات تنها با ادبیات داخلی سروکار نداریم و ما باد ادبیات جهان نیز ارتباط تنگاتنگی داریم . بنابراین وقتی یک نویسنده اثر ادبی را خلق می کند معطوف به یکسرزمین و کشور خاص نیست و برای کل جهانیان می باشد .ادبیات از بنیادی و اصلی ترین منابع برای خلق آثار نمایشی می باشد .صرفا از این جهت نیست که فقط ایده وموضوع نمایش را برای نمایشنامه نویس به خاطر بیاورد بلکه این مفهوم را هم می رساند که نمایش نامه نویس بایستی به ادبیات اشراف و واقف باشد . درواقع معنای ادبیات را چشیده باشد و درک کاملی از آنچه قرار است اقتباس کن داشته باشد .در صورتیکه این موارد را نداشته باشد آنچه را که خلق کند اهمیت چندانی نخواهد داشت . گاهی اوقات در بعضی موارد نویسندگان و کارگردان در خصوص داستان هایی که به نمایش درآمده اند در حین تماشای این آثار متوجه این موضوع شده اند که نمایش نامه نویس آنطور که باید نتوانسته با داستان ارتباط برقرار کند و معنا و مفهوم روایت را به تماشگر بفهماند .ازیکجهتیکارگردانعنوان می نماید که «مننمی‌توانمتمامیداستانرادرفرصتِدرهرحالمحدودِصحنهنقلکنم». وی هنوز توانایی این امر را ندارد که موقعیت خود را بهنامیکنمایش نامه نویس ،براینویسندهداستان، تبیین و تشریح نماید . ازجهتی،نویسندهعنوان می کند که بایستیهرآنچه که در داستان ادبی آمده بدون هیچ کم و کاستی درنمایشانعکاس یابد و براساس آن نوشته شود .و معتقد است با این شیوه داستان وی نابود شده است .(غفاری .١٣٧٠.ص١٧٨)

آنچه که در اجرای یک نمایش عروسکی براساس یک داستان ادبی مطرح می شود این است که خط و مشی نمایشنامه از داستان ادبی اقتباس می گردد .این اقتباس ممکن است از موقعیت ها و یا روابط جذاب داستان صورت گرفته است .لکنهمچینکاری در اکثر اوقات بهکاراکترهایی که نمایشنامه نویس آن‌هارافهمیده و حس نموده برمی گردد نه آنچه که در اصل داستان ادبی بیان شده است . در بیشتر داستان ها و روایت های جذاب و خواندنی ،در هنگام اجرا و در حین کار (روی صحنه نمایش) آن شگفتی و هیجان که در داستان وجود داشته دیده نمی شود و حتی هیجان درام همه در آن جای نمی گیرد .درحال حاضر ،تئاترعروسکیرابطور معمول بادونامنمایشسایهوخیمهشببازی ازیکدیگرسوا می

نمایند .تفاوتآندوداریناستکهدرسایهبازی،نمایشباحرکتچندعروسککهسایههاشانبهواسطهیکمنبعنوربرپردهمیافتد ،بهنمایشدرمیآید ،امادرخیمهشببازیتماش اگرعروسکهارامشاهدهمیکنندنهسایهشانرا. درنمایش سایه ،عروسکهاازچرمساختهمیشوندوبانیهاییناز کحرکتدادهمیشوندوسایهآنهابرپردهایسفیدمیافتدکیهدرمقابل تماشاگرانانتخابشدهاست، اماعروسکهایخیمهشببازیازپارچهوچوبوغیرهساختهمیشیوندوازرنگ و لباس و چهره آرایی معمولا طبیعی برخوردار می باشند .(بیضایی.١٣٩٢ .ص٨٧)

نتیجه گیری

در این بخش از پژوهش قصد داریم به سوال پژوهش پاسخ بدهیم که : یکاثرادبیزمانیکهبهنمایشبرگرداندهمی‌شودچهتغییراتپیدامی‌کندونمایشتهیهشدهازطریقاقتباستاچهاندازهبایدوفاداربهاصلاثرادبیخودباشد؟ در مقام پاسخ به آن سوال باید گفت که دیدگاه های متنوعی در زمینه تعامل بین نمایشگران و داستان نویسان وجود دارد .این دیدگاه ها در دسته ای از رضایت تمام و کمال تا رویارویی مطلق واقع می شوند .بعضی از این موضوعات اینگونه بیان می شوند که ، پایبند بودن نمایشبهادبیات امری غیر ممکن می باشد . به طوری که نمی شودوبدونااینتوانااییاست که همه آن خلاقیت ها و ره آوردهای مهمی که نویسنده در داستان ادبی اش آورده را در نمایشنامه اش انتقال بدهد .یکاثرادبی درصحنه نمایشودردستانیکنمایش نامه نویس صرفا به این خاطر می باشد که ،که یک کارنمایشی و تئاتر شکل بگیرد و مورد استفاده قرار دهد . برای اینکه نمایش هنریدائم در حال تغییر نسبت به ادبیاتمی باشد و قوانین حاکم برادبیات ممکن است تا سالیان متعددی بدون هیچونه نوآوری مورد استفاده نویسندگان قرار بگیرند .دریکاقتباسقسمتی ازوضعیت ها ،موقعیت ها ،کارکرد وشخصیت اشخاص راازماهیت کلییک داستان ادبی را مورد استفاده و بهره برداری قرار می دهیم . حتی این نکته را هم باید در نظر بگیریم کهاینفرصت های عمده ،به خودی خود هیچگونه اهمیت و ارزشی ندارند،به غیراززمانی که تجزیه و موشکافی سنجیده ای و

دگرگونی مفیدی از این اتفاقات برای تماشاچی صحنه نمایش خود به وجود آوریم .که در این موقع اندیشه و فکر نمایش نامه نویس در تلاش است که از اتفاقاتی که رخ داده و زمان های مهم و اساسی داستان ، که نویسنده در داستان خود با آنها رودررو شده با حداکثر توان و در خوربا آنچه که در حرفه و تخصصش ایجاد می کند برای بهتر جلوه دادن نمایش استفاده نماید . باتوجه به اینکه نمایش نامه نویس در واقع با الهام و اقتباس از داستان ادبی و به کار گیری اشاره ها و نکات قوت نویسنده داستان ،شروع به نوشتن نمایشنامه خود می نماید درحین حال باید به این مهم هم توجه نماید که احساس و درک خودرا در اثرش ارائه دهد تا بتواند کاری خاص و ویژه و اثر گذار ارائه دهد .

منابع

- اخلاقی ، اکبر (۱۳۷۷) تحلیل ساختاری منطق الطیر ، اصفهان .نشر فردا .
- ارسطو،فنشعر (۱۳۸۱)ترجمه: عبدالحسینزرّینکوب،تهران: انتشاراتامیرکبیر .
- آژند،یعقوب(۱۳۸۵) تجددادبیدورهمشروطه،تهران،مؤسسهتحقیقاتوتوسعهعلومانسانی،چاپاول،صص ۳۷۳و ٤٠٥
- آرتو،آنتونن(۱۳۸۳)تئاتروهمزادش،ترجمه: نسرینخطاط؛تهران: نشرقطره.
- بیضایی،بهرام(۱۳۹۲)نمایشدرایران،تهران: روشنگرانومطالعاتزنان.
- پرتوی راد ،طیبه (۱۳۹۸) بررسیظرفیتهایاقتباسپویانمایی (انیمیشن) ازمنطق‌الطیرعطار . فصلنامه متن شناسی ادب فارسی .دوره ۱۱، شماره ٤، پیاپی ٤٤.صفحه ٦٢-٤٧
- شمسا،سیروس(۱۳۸۳)انواعادبی،تهران،فردوس،چاپدهم،ویرایشسوم،صص ۱٤۹و ۱٥۰.
- رحمانی نژاد، معصومه .بوندشهریاری، علی اصغر(۱۳۹٥)بررسی شاخصه های نمایش در منطق الطیر عطار نیشابوری .همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی .
- یاری ، منوچهر(۱۳۷۹) ساختار شناسی نمایش ایرانی ، چاپ اول .تهران انتشارات حوزه هنری .
- کادن. جی. ای(۱۳۸٥)فرهنگادبیاتونقد،کاظمفیروزمند(ترجمه) ،تهران،شادگان،چاپاول،ص ۱۲۷.
- غریب پور، بهروز(۱۳٦۹)تئاترعروسکی در گذشته و حال .ادبستان .شماره۱۱ .ص۳۰-٤٥
- غفاری ، فرخ(۱۳۷۰)درامدی برنمایشهای ایرانی ،ایران نامه .سال۹.شماره۲.صص۱۸٥-۱۷۷
- گنجی ، نرگس.اشراقی، فاطمه (۱۳۹۹) توسلات ادبیات عرفانی به هنرهای سنتی نمایشی با تکیه برنمایش عروسکی .نشریه فنون ادبی .دوره۱۲ . شماره۱(پیاپی۳۰) صفحات ۱٦-۱.

1-Akhlayi,Akbar(1377)analysis of bird logic -Ashfahan. Farda publishing.
2-Aristotle-poetryart(1781) Translation; Amir Akbar publications .
3-Ajnad,yaagoub ,(1385)literary update of the Constitutional period Tehran, Research and Development institute for the Humanities , first edition, page 373,405.
4-Artaud,Antonin (1383)twin theater, translation Nisreen Khattat.
5-Reydaei, Bahram(1398)Show in Tehran; Enlightenment and women's studies.
6-partori Rad, tayyaba(1398)study the adaptive Capabilities of an Imation from the logic of AL-Tayer Al- Attar. Session11.page 47-42.
7-Shamisa,siroos (1383) literary genres, Tehran Ferdows,11th edition page 149,150.
8-Rahmani Negad.Masanumeh.Bond Shahriari Ali Asghar.(1395) studying thecae activities of presentation in bird logic Neyshaburi international conference on literary Essays, linguistic and cultural communication.
9-Yari.Manoochehr. (1779) structure of Iranian drama, first edition, tehran Arts publishing House.
10-Gharib pour,Behrooz(1369) puppet theater between past and present. Adbastan. Number(11) page 30-45.
11-Ghafari,Farokh(1370) An introduction to Iranian shows. Year. Number2.page 185-177.
12-Ganji, Narges,eshraghi.Fateme.(1399) Literary Arts Magazine,periodiz,Number1page 1-16.